

بسم الله الرحمن الرحيم

جواب به سوال

جنگ امریکا و ایران و واقعیت جایگاه ایران

(ترجمه)

سوال:

حملات امریکا علیه ایران و واکنش‌های ایران به این حملات، بیش از سه ماه است که هم‌چنان ادامه دارد؛ چنان‌که فرماندهی امریکا اعلام کرد که «ضربات دقیقی را علیه یک ایستگاه کنترل نظامی زمینی ایران در جزیره قشم اجرا کرده است». در مقابل، سپاه پاسداران ایران نیز اعلام نمود که «یک پایگاه امریکایی را در منطقه هدف قرار داده است.» (الجزیره، ۳ جون ۲۰۲۶ م)

هم‌چنان حملات رژیم یهود به جنوب لبنان نیز ادامه دارد. در همین راستا گزارش شده که: «درگیری‌ها میان رژیم یهود و حزب‌الله در جنوب لبنان، با وجود اعلام ترامپ مبنی بر موافقت دو طرف با توقف عملیات‌های جنگی پیش از آغاز دور جدید مذاکرات لبنان و رژیم یهود که قرار است امروز در واشنگتن برگزار شود، در طول شب ادامه یافت.» (بی‌بی‌سی، ۲ جون ۲۰۲۶ م)

پیش از این نیز امریکا همراه با فرزندخوانده خود، رژیم یهود، در ۲۸ فروری ۲۰۲۶ م حمله‌ای را علیه ایران آغاز کرد که حدود چهل روز ادامه یافت و در جریان آن نزدیک به چهل تن از مقام‌های بلندپایه سیاسی و نظامی ایران، در رأس آنان رهبر ایران، علی خامنه‌ای، کشته شدند.

هدف امریکا از این حمله، سرنگونی نظام ایران یا تبدیل آن از یک دولت تابع مدار نفوذ به یک دولت کاملاً وابسته بود؛ اما چنین چیزی تحقق نیافت، پس از آن، مذاکرات غیرمستقیمی میان ایران و امریکا در پاکستان آغاز شد که در خلال آن، پیشنهادهای مختلفی از سوی دو طرف مطرح گردید و این روند در فضای کشمکش میان حملات امریکا و رژیم یهود از یک‌سو و جواب‌های ایران از سوی دیگر ادامه یافت. با این حال، تاکنون هیچ توافقی بر سر هیچ‌یک از این پیشنهادهای به دست نیامده است.

با توجه به این وضعیت، جایگاه کنونی ایران چیست؟ آیا ایران اکنون به یک دولت مستقل تبدیل شده است؟ یا هم‌چنان یک دولت تابع مدار نفوذ باقی مانده است؟ یا اینکه میان این دو وضعیت در نوسان و تردید قرار دارد؟ جزاکم الله خیراً

جواب:

برای جواب به سوالات فوق، نکات زیر را بررسی می‌کنیم:

1- هنگامی که امریکا همراه با رژیم یهود در تاریخ ۲۸ فروری ۲۰۲۶ م به ایران حمله کرد و حدود ۴۰ تن از رهبران سیاسی و نظامی این دولت را، در رأس آنان رهبر ایران، علی خامنه‌ای، که عالی‌ترین مقام بود، به قتل رساند، این اقدام نشان می‌دهد که امریکا از رهبری و سیاست‌های ایران ناراضی است و می‌خواهد این رهبری را کنار زده و آن سیاست‌ها را تغییر دهد؛ زیرا مشاهده کرده که این رهبری دارای گرایش‌های استقلال‌طلبانه است. از همین رو، امریکا می‌خواست رهبرانی را روی کار آورد که تابع و فرمان‌بردار آن باشند.

ما در جواب به سوالی به تاریخ ۴ اپریل ۲۰۲۶ م تحت عنوان «حمله به ایران» گفته بودیم:

«به نظر می‌رسد محاسبات امریکا و رژیم یهود نادرست بوده است، هنگامی که آن دو حمله خود را علیه ایران آغاز کردند، آشکار شد که مدت کوتاهی را برای جنگ در نظر گرفته‌اند؛ جنگی که برآورد می‌شد تنها چهار روز دوام کند و با یک یورش برق‌آسا و گسترده، رهبری عالی ایران، تأسیسات هسته‌ای و مراکز تولید و پرتاب موشک‌ها را هدف قرار دهد. آنان گمان می‌کردند که با از میان برداشتن رأس نظام و مسئولان ردیف اول، مسئولان

ردیف دوم تسلیم شده و شرایط آنان را خواهند پذیرفت؛ همان‌گونه که در ونزوتلا رخ داد؛ زمانی که نیروهای امریکایی رئیس‌جمهور آن دولت را ربودند و معاون وی و همراهانش در برابر امریکا تسلیم شدند. اما در ایران چنین اتفاقی رخ نداد، پس از کشته شدن رهبر ایران، علی خامنه‌ای و شماری از فرماندهان و مسئولان نظام، سپاه پاسداران استقامت کرد، تصمیم به مقابله با این تجاوز گرفت و حمله به دشمنان را در پیش گرفت. این امر نشان می‌دهد که امریکا در پی آن بود که سیاست نظام ایران را از یک دولت محور، به یک دولت کاملاً تابع تبدیل کند تا بتواند شرایط خود را در مذاکرات بر ایران تحمیل نماید. با وجود این، در رسیدن به هدف خود ناکام ماند و در نتیجه تصمیم گرفت جنگ را ادامه دهد.»

بنابراین، وضعیت کنونی ایران، گسست و رویارویی با امریکا است؛ هرچند تماس‌های محدودی از طریق گفت‌وگوهای تلفنی میان برخی مسئولان وزارت خارجه دو دولت و نیز ارتباطات غیرمستقیم با میانجی‌گری طرف‌های ثالث، مانند پاکستان، همچنان ادامه دارد.

2- جواب ایران تأثیرگذار بود؛ زیرا از عقب‌نشینی یا دادن امتیاز در موضوع برنامه هسته‌ای و تنگه هرمز خودداری کرد.

وزارت خارجه ایران اعلام کرد که پیشنهاد این دولت شامل پایان جنگ در تمامی جبهه‌ها، از جمله لبنان، رفع محاصره دریایی امریکا علیه بنادر ایران و تضمین آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران در خارج است؛ دارایی‌هایی که سال‌ها بر اساس تحریم‌های اعمال‌شده، منجمد مانده‌اند. (العربية، ۱۲ می ۲۰۲۶)

تمام این موارد نشان می‌دهد که شیوه‌هایی که دولت امریکا برای مدیریت پرونده ایران و تبدیل ایران به یک دولت تابع به کار گرفته بود، با شکست مواجه شده است. همین مسئله سبب شده که اظهارات مقام‌های امریکایی حاکی از آن باشد که آنان برای رویارویی طولانی‌مدت با پرونده ایران آماده می‌شوند و به دنبال نفس دراز در این قضیه هستند.

3- هنگامی که ترامپ نتوانست از طریق جنگ چهارروزه به هدفی که در قبال ایران تعیین کرده بود دست یابد؛ جنگی که در جریان آن شمار زیادی از رهبران و فرماندهان ردیف اول و دوم ایران کشته شدند، طرحی متشکل از ۱۵ بند را اعلام کرد.

از مفاد این طرح به روشنی پیداست که در واقع یک طرح تسلیم‌سازی بود؛ زیرا هدف آن خلع ایران از عناصر قدرت مستقل آن، به خصوص توان موشکی و هسته‌ای‌اش، بود. اما این اقدام به جای آن‌که ایران را وادار به تسلیم کند، واکنش شدید سپاه پاسداران را در پی داشت، هنگامی که ایران شروط ترامپ را نپذیرفت، بر موضع خود پافشاری کرد و آمادگی خویش را برای ادامه نبرد اعلام نمود، امریکا از سرگیری مذاکرات برای امضای توافق با ایران را اعلام کرد.

در همین چارچوب، امریکا دومین مقام بلندپایه خود، یعنی معاون رئیس‌جمهور «ونس»، را در تاریخ ۱۱ اپریل ۲۰۲۶ م به پاکستان فرستاد تا با مقام‌های ایرانی مذاکره کند. ونس در این باره گفت:

«مذاکره‌کنندگان ایرانی خواهان دستیابی به توافق هستند؛ اما رئیس‌جمهور ترامپ به دنبال یک توافق محدود با ایران نیست، بلکه در پی یک توافق بزرگ است که این منازعه را به‌طور کامل پایان دهد. ما در مذاکرات پاکستان پیشرفت چشمگیری داشته‌ایم، دیدارهای ما با رهبری ایران تاریخی بوده است؛ چیزی که در طول ۴۹ سال گذشته در هیچ دولت امریکایی سابقه نداشته است. من رو در رو با فردی که عملاً مسئول امور ایران است، دیدار کردم و ما تمایل جدی برای رسیدن به توافق را مشاهده کردیم...» (فوکس نیوز، ۱۴ اپریل ۲۰۲۶)

از این سخنان چنین برمی‌آید که رئیس‌جمهور امریکا، هنگامی که مشاهده کرد ایران برخی از شروط او را پذیرفته یا نسبت به آن‌ها انعطاف نشان داده است، به امتیازات بیشتری چشم دوخت، از همین رو، معاون وی تصریح کرد: «اما رئیس‌جمهور ترامپ به دنبال یک توافق محدود با ایران نیست، بلکه خواهان یک توافق بزرگ است...».

4- پس از آن، ترامپ تنها چند ساعت پیش از پایان آتش‌بسی که حدود دو هفته پیش اعلام کرده بود، از تمدید آتش‌بس با ایران برای مدت نامعلوم خبر داد. به گفته او، این اقدام برای آن بود که دو دولت بتوانند به گفت‌وگوهای صلح ادامه دهند. (الجزیره، ۲۲ اپریل ۲۰۲۶ م)

اما ایران اعلام کرد که مذاکره تحت فشار را نمی‌پذیرد و خواستار رفع محاصرهٔ امریکایی علیه بنادر خود شد. ترامپ نیز در ۲۰ اپریل ۲۰۲۶ م در شبکهٔ «تروث سوشیال» نوشت: «عملیات "چکش نیمه‌شب" (حملهٔ مشترک او با رژیم یهود در سال ۲۰۲۵ م موجب نابودی کامل و همه‌جانبهٔ مراکز غبار هسته‌ای (منظور او یورانیوم غنی‌شده است) در ایران شده است. بنابراین، بازیابی آن فرایندی طولانی و دشوار خواهد بود.»

هدف او از این سخن، کاهش فشار بر یکی از شروط قبلی‌اش بود که بر اساس آن، ایران باید یورانیوم غنی‌شدهٔ خود را به امریکا یا به یک طرف ثالث تحویل می‌داد.

به این ترتیب، ترامپ بیش از پیش به تحقق اهداف امریکا از راه مذاکره امید بست؛ زیرا دریافت که دستیابی به آن اهداف از طریق جنگ آسان نیست. از همین رو، نوعی نرمش در مواضع امریکا پدیدار شد، آتش‌بس نیز زمان مشخصی نداشت. از سوی دیگر، دستیابی به حدود ۴۴۱ کیلوگرام یورانیوم غنی‌شدهٔ ۶۰ درصدی، که ایران در اختیار دارد، کاری دشوار به نظر می‌رسید.

5- عباس عراقچی، وزیر خارجهٔ ایران، در ۱۳ اپریل ۲۰۲۶ م در شبکهٔ «ایکس» جزئیاتی از روند مذاکرات با امریکا در پاکستان را فاش کرد؛ مذاکراتی که او نیز عضوی از هیئت ایرانی حاضر در آن بود. او گفت: «هیئت مذاکره‌کنندهٔ ایران در اسلام‌آباد، در حالی که به دستیابی به توافق نزدیک شده بود، با خواسته‌های افراطی، اهدافی که پیوسته تغییر می‌کرد و تهدید به محاصره روبه‌رو شد.»

این سخنان با اظهارات معاون ترامپ هم‌خوانی دارد؛ زیرا او نیز گفته بود که مذاکرات در آستانهٔ رسیدن به توافق مشخصی قرار داشت، اما ترامپ خواهان امتیازات بیشتری بود. او می‌خواهد ایران تسلیم شود و همانند بسیاری از دولت‌های منطقه، به دولتی تابع امریکا تبدیل گردد.

ترامپ نیز گفته بود: «رهبری ایران دچار سردرگمی است... اگر می‌خواهند گفت‌وگو کنند، کافی است با ما تماس بگیرند.» (فاکس نیوز، ۲۵ اپریل ۲۰۲۶ م)

6- ایران به خوبی آگاه است که امریکا برای آرام‌سازی اوضاع و جلوگیری از وقوع یک جنگ گسترده، نیاز جدی دارد. این مسئله با وضعیت داخلی ترامپ ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا او نمی‌خواهد حزبی در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در ماه نوامبر شکست بخورد. اگر جمهوری خواهان اکثریت خود را از دست بدهند، این موضوع بر موقف ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور تأثیر خواهد گذاشت؛ به خصوص آن‌که وی برای بسیاری از تصمیمات مهم، از جمله آغاز جنگ‌ها، به همکاری و موافقت کنگره نیاز دارد. افزون بر این، نتیجهٔ انتخابات میان‌دوره‌ای می‌تواند بر انتخابات ریاست‌جمهوری دو سال بعد نیز اثرگذار باشد.

هم‌چنین ترامپ ناگزیر است ملاحظاتی مربوط به میزبانی امریکا از جام جهانی فوتبال را نیز در نظر بگیرد؛ رقابت‌هایی که قرار است از ۱۱ جون ۲۰۲۶ م آغاز شود. بر همین اساس، ایران کوشیده است موضع خود را تقویت کند و آمادگی خویش را برای ورود دوباره به جنگ با امریکا و رژیم یهود اعلام کرده است.

در اینجا آشکار می‌شود که جناح مسلط بر ساختار نظام ایران، یعنی سپاه پاسداران اکنون بر اساس اراده و تصمیم خود عمل می‌کند و در پی فاصله گرفتن از امریکا و دستیابی به استقلال بیشتر است؛ در حالی که جناح سیاسی ایران مایل است با امریکا به تفاهم برسد و دست‌کم در جایگاه یک دولت محور و وابسته در مدار نفوذ امریکا باقی بماند، نه یک دولت کاملاً تابع.

7- ترامپ برای افزایش فشار بر ایران به شیوهٔ دیگری متوسل شد، او در ۴ می ۲۰۲۶ م از آغاز عملیاتی با عنوان «پروژهٔ آزادی» خبر داد. بهانهٔ این عملیات، کمک به کشتی‌های دولت‌های به اصطلاح بی‌طرف بود که در تنگهٔ هرمز متوقف مانده بودند و به ادعای امریکا، ارتباطی با بحران خاورمیانه نداشتند و باید امکان عبور از تنگه را پیدا می‌کردند، اما هنگامی که این طرح به موفقیت نرسید، ترامپ آن را متوقف کرد و بامداد ۶ می ۲۰۲۶ م در شبکهٔ «تروث سوشیال» نوشت:

«بنا بر درخواست پاکستان و برخی دولت‌های دیگر و با توجه به موفقیت‌های نظامی بزرگی که در عملیات خود علیه ایران به دست آورده‌ایم و نیز به دلیل پیشرفت چشم‌گیر در مسیر دستیابی به یک توافق کامل و نهایی با نمایندگان ایران، به طور متقابل تصمیم گرفته‌ایم پروژه آزادی را برای مدتی کوتاه به حالت تعلیق درآوریم: در حالی که محاصره به طور کامل همچنان پابرجا خواهد ماند، تا روشن شود که آیا امکان دستیابی به توافق نهایی با ایران وجود دارد یا نه.»

8- پایگاه امریکایی «اکسیوس» در ۶ می ۲۰۲۶ م به نقل از یک منبع پاکستانی: «دو طرف در آستانه توافق بر سر یک یادداشت یک‌صفحه‌ای برای پایان دادن به جنگ قرار دارند. این توافق شامل تعهد ایران به تعلیق غنی‌سازی یورانیوم، موافقت امریکا با لغو تحریم‌ها، آزادسازی میلیاردها دلار از دارایی‌های مسدودشده ایران و هم‌چنین رفع محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی هر دو طرف بر عبور و مرور در تنگه هرمز است.»

این گزارش تأیید می‌کند که ترامپ برای رسیدن سریع به توافق با ایران شتاب دارد؛ زیرا بازگشت به جنگ نیازمند موافقت کنگره است و چنین موافقتی تضمین‌شده نیست. افزون بر آن، از سرگیری جنگ نیز نتیجه قطعی و تضمین‌شده‌ای ندارد؛ چنان‌که او پیش‌تر این گزینه را آزموده و در تحقق اهدافش ناکام مانده است.

هم‌چنین اجرای «پروژه آزادی» برای نجات کشتی‌های متوقف‌شده در خلیج، زمان طولانی، هزینه و خطرات فراوانی را می‌طلبد؛ به خصوص آن‌که ایران تهدید کرده است در برابر چنین اقداماتی واکنش نشان خواهد داد و این امر می‌تواند کشتی‌هایی را که قرار است نجات داده شوند، در معرض خطر بیشتری قرار دهد.

آنچه در رفتار ترامپ، که پیشینه‌ای در تجارت املاک دارد، جلب توجه می‌کند، این است که می‌خواهد به سرعت به توافق‌های سیاسی سودآور دست یابد؛ گویی سیاست را با تجارت و معاملات اقتصادی می‌سنجد و همان منطق را در عرصه سیاست نیز به کار می‌گیرد.

9- در ۱۱ می ۲۰۲۶ م دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، اعلام کرد که جواب ارائه‌شده از سوی ایران را که از طریق میانجی پاکستانی به او رسیده بود، نپذیرفته است. ترامپ در پیامی در شبکه «تروث سوشیال» نوشت: «من همین اکنون جواب کسانی را که خود را نمایندگان ایران می‌نامند خواندم، این جواب را نپسندیدم؛ به هیچ وجه قابل قبول نیست.»

در نخستین واکنش به رد این جواب از سوی ترامپ، تلویزیون ایران اعلام کرد: «پاسخی که تهران به پیشنهاد امریکا برای پایان دادن به جنگ ارائه کرده و ترامپ آن را غیرقابل قبول دانسته است، بر حقوق اساسی ملت ایران تأکید دارد.»

تلویزیون ایران افزود که تهران این پیشنهاد امریکا را رد کرده است؛ زیرا پذیرش آن به معنای تسلیم شدن بود. هم‌چنین تأکید شد که پاسخ ایران بر دو موضوع اساسی دیگر نیز پافشاری کرده است: نخست، پرداخت غرامت از سوی امریکا بابت جنگ و دوم، به رسمیت شناختن حاکمیت ایران بر تنگه هرمز. (العربی الجديد، ۱۱ می ۲۰۲۶ م)

10- این پاسخ، خشم رئیس‌جمهور امریکا، ترامپ، را برانگیخت. او در ۱۲ می ۲۰۲۶ م گفت: «آتش‌بس اکنون به دستگاه تنفس مصنوعی عظیمی وصل شده است؛ مانند بیماری که داکتر وارد اتاقش شود و بگوید تنها یک درصد احتمال زنده ماندن دارد. ایران تصور می‌کند که من از این موضوع خسته خواهم شد، یا حوصله‌ام سر خواهد رفت، یا تحت فشار قرار خواهم گرفت.» وی هم‌چنین درباره پاسخ ایران اظهار داشت: «پس از خواندن این مزخرفات (پاسخ ایران) که برای ما فرستاده‌اند، حتی خواندن آن را تا پایان ادامه ندادم.» (الشرق الأوسط، ۱۲ می ۲۰۲۶)

با این حال، او در همان روز بار دیگر گفت: «خواهیم دید که درباره ایران چه رخ می‌دهد. ما تنها در پی دستیابی به یک توافق خوب هستیم. فکر نمی‌کنم در موضوع ایران به کمک کسی نیاز داشته باشیم. ما به هر صورت پیروز خواهیم شد، تنها موضوع مهم درباره ایران این است که نباید اجازه داده شود به سلاح هسته‌ای دست یابد.» (الجزیره، ۱۲ می ۲۰۲۶ م)

11- پس از آن، دوباره سخن از اصلاح و تعدیل توافق به میان آمد. پایگاه خبری «اکسیوس»، به نقل از یک مقام امریکایی، آن گونه که سایت «النجاح الإخباری» در ۲۴ می ۲۰۲۶ م منتشر کرد. گزارش داد: «ایالات متحده و ایران در آستانه امضای توافقی قرار دارند که بر اساس آن، آتش‌بس برای ۶۰ روز دیگر تمدید خواهد شد و در طول این مدت، تنگه هرمز دوباره بازگشایی می‌شود.»

طبق این گزارش، توافق پیشنهادی هم‌چنین شامل موارد زیر است:

- ایران بتواند نفت خود را آزادانه به فروش برساند.
- مذاکراتی دربارهٔ مهار برنامه هسته‌ای ایران آغاز شود.
- تنگه هرمز در طول ۶۰ روز بدون اخذ عوارض برای عبور کشتی‌ها باز باشد.
- ایران مین‌هایی را که در تنگه کار گذاشته است، جمع‌آوری کند تا عبور کشتی‌ها آزادانه انجام شود.

در مقابل، به عنوان بخشی از این توافق:

- امریکا محاصره بنادر ایران را لغو خواهد کرد.
- برخی معافیت‌های تحریمی صادر شد تا ایران بتواند نفت خود را آزادانه صادر کند.

هم‌چنین در پیش‌نویس توافق آمده است که:

- ایران متعهد شود هرگز به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نباشد.
- دربارهٔ تعلیق برنامه غنی‌سازی اورانیوم مذاکره کند.
- ذخایر اورانیوم با غنای بالا را از میان بردارد.

گزارش اکسیوس افزوده است که امریکا نیز با مذاکره دربارهٔ رفع تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدود شده ایران در طول این دوره ۶۰ روزه موافقت خواهد کرد. با این حال، کاخ سفید تا آن زمان هیچ واکنش رسمی به این گزارش نشان نداده بود.

12- خبرگزاری العربیه در ۲۹ می ۲۰۲۶ م به نقل از رویترز گزارش داد: «ایالات متحده و ایران بر سر تمدید آتش‌بس، رفع محدودیت‌های رفت‌وآمد دریایی در تنگه هرمز، پایان دادن به محاصره امریکا علیه بنادر ایران و لغو بخشی از تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور به توافق رسیده‌اند؛ اما این توافق هنوز نهایی نشده و آخرین اصلاحات بر آن اعمال نگردیده است.»

این گزارش افزود: «دستیابی به چنین توافقی گام بزرگی در مسیر پایان دادن به جنگی خواهد بود که جهان را با بحران انرژی روبه‌رو ساخته است. با این حال، اختلاف اصلی بر سر برنامه هسته‌ای ایران به مذاکراتی موقوف شده است که قرار است در هفته‌های بعد برگزار شود.»

ونس، معاون ترامپ، نیز روز پنج‌شنبه گفت: «هنوز به توافق نهایی نرسیده‌ایم؛ اما بسیار به آن نزدیک شده‌ایم و به تلاش‌های خود ادامه خواهیم داد.»

ایران در آن زمان موضع رسمی خود را اعلام نکرده بود؛ اما خبرگزاری نیمه‌رسمی «تسنیم» به نقل از یک منبع نزدیک به هیئت مذاکره‌کننده گزارش داد که متن توافق هنوز نهایی نشده و مورد تأیید قرار نگرفته است.

هم‌چنین در گزارش یادآوری شده بود که رسیدن به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ م پس از سال‌ها مذاکره میان تیم‌های بزرگ کارشناسی و متخصصان امکان‌پذیر شد؛ توافقی که ترامپ در نخستین دوره ریاست‌جمهوری خود در سال ۲۰۱۸ م از آن خارج شد.

13- کاخ سفید اعلام کرد که رئیس‌جمهور ترامپ تا زمانی که تمامی شروطش برآورده نشود، هیچ توافقی با تهران امضا نخواهد کرد. پایگاه «اکسیوس» به نقل از یکی از مسئولان دولت امریکا گزارش داد که اعلام توافق با ایران ممکن است چند روز یا حتی بیش از یک هفته به تأخیر

بیفتد تا ترامپ به آنچه خواهان آن است دست یابد. بر اساس این گزارش، مهم‌ترین مواردی که ترامپ خواهان تغییر آن‌ها در متن توافق است عبارت‌اند از:

- نحوه بازگشایی تنگه هرمز؛
- تحویل اورانیوم غنی‌شده به امریکا؛
- اعمال تغییراتی در متن مربوط به برنامه هسته‌ای ایران.

روزنامه نیویورک تایمز نیز گزارش داد که اصلاحات جدید پیشنهادی ترامپ، با میانجی‌گری پاکستان، دوباره به تهران ارسال شده تا از سوی رهبری ایران بررسی شود. این روزنامه هم‌چنین پیش‌بینی کرد که به دلیل دشواری ارتباط مستقیم با رهبر ایران، مجتبی خامنه‌ای، اعلام رسمی توافق ممکن است با تأخیر بیشتری روبه‌رو شود.

در همین حال، فرماندهی مرکزی امریکا (سنتکام) هم‌چنان به تشدید محاصره دریایی علیه بنادر ایران ادامه می‌داد. (الجزیره، ۳۱ می ۲۰۲۶)

14- در این میان، در حالی که مذاکرات میان ترامپ و ایران هم‌چنان میان پذیرش و رد، پیشرفت و عقب‌گرد در نوسان بود، رژیم یهود به تجاوزات خود علیه جنوب لبنان ادامه می‌داد...:

(الف) ارتش اسرائیل اعلام کرد که پس از درگیری‌های مسلحانه، با پشتیبانی آتش سنگین نیروهای زمینی و هوایی، بر قلعه شقیف مسلط شده است. این اقدام هم‌زمان با تشدید گسترده حملات در مناطق نبطیه، وادی سلوق و وادی حجیر صورت گرفت؛ در جریان رویارویی‌هایی که با حزب‌الله لبنان، در متن جنگ امریکایی-اسرائیلی-ایرانی در اواخر فروری ۲۰۲۶ م آغاز شده بود. (الجزیره، ۱ جون ۲۰۲۶)

(ب) ارتش اسرائیل، چند ساعت پس از آن‌که نتانیا هو، نخست‌وزیر رژیم یهود، دستور تشدید عملیات نظامی را صادر کرد، به باشندگان ضاحیه جنوبی بیروت هشدار تخلیه داد. ارتش اسرائیل عصر دوشنبه در بیانیه‌ای اعلام کرد: «اگر حزب‌الله به شلیک راکت به سوی شهرها و شهرک‌های اسرائیلی ادامه دهد، ما با هدف قرار دادن مواضعی در ضاحیه جنوبی بیروت پاسخ خواهیم داد.» (الجزیره، ۱ جون ۲۰۲۶ م)

(ج) با آن‌که العربیه نت در ۲ جون ۲۰۲۶ م گزارش داد که ترامپ در یک تماس تلفنی گفته است «اختلال کوچکی رخ داده بود، اما او به سرعت آن را حل کرده است» و توضیح داده بود که موضوع به ناراحتی ایرانی‌ها از حملات اسرائیل به لبنان مربوط می‌شود و افزوده بود: «با حزب‌الله صحبت کردم و گفتم آتش بس. با نتانیا هو هم صحبت کردم و گفتم آتش بس و هر دو طرف شلیک به سوی یکدیگر را متوقف کردند.» (العربیه نت، ۲ جون ۲۰۲۶ م)

اما رژیم یهود این موضوع را شامل تمام لبنان ندانست، بلکه آن را تنها به ضاحیه محدود کرد و به تجاوز خود علیه جنوب لبنان ادامه داد؛ طبعاً با چراغ سبز ترامپ، زیرا توان مخالفت با او را ندارد.

رژیم یهود حملات خود را علیه جنوب لبنان ادامه داد؛ زیر عنوان «موضع ما در اسرائیل تغییر نخواهد کرد». نتانیا هو گفت که به ترامپ اطلاع داده است، نیروهایش اگر حزب‌الله حمله به اسرائیل را متوقف نکنند، بیروت را هدف قرار خواهند داد. او بر اساس بیانیه دفترش افزود: «موضع ما در این موضوع تغییر نکرده است. در عین حال، ارتش اسرائیل عملیات خود را در جنوب لبنان همان‌گونه که برنامه‌ریزی شده ادامه خواهد داد.» (این‌دپندنت عربی، ۲ جون ۲۰۲۶ م)

هم‌چنین گزارش شد که درگیری‌ها در طول شب میان رژیم یهود و حزب‌الله در جنوب لبنان ادامه یافت. با وجود اعلام ترامپ مبنی بر موافقت دو طرف با توقف عملیات‌های جنگی، پیش از آغاز دور جدید مذاکرات میان لبنان و رژیم یهود که قرار بود همان روز در واشنگتن برگزار شود. (بی‌بی‌سی، ۲ جون ۲۰۲۶)

15- از سلسله این رویدادها و پیامدهای آن، امور زیر روشن می‌شود:

الف) هنوز میان ایران و آمریکا گسست وجود دارد و فعلاً هیچ‌گونه هماهنگی میان دو طرف برای کار مشترک در منطقه، همانند گذشته که ایران در جایگاه دولت مدار نفوذ آمریکا عمل می‌کرد، وجود ندارد؛ به‌خصوص آن‌که امروز کسانی که بر حاکمیت ایران مسلط‌اند، نیروهای سپاه پاسداران هستند، اینان به سوی استقلال حرکت می‌کنند؛ یعنی خواهان بازگشت ایران به مدار آمریکا نیستند.

احتمال قوی این است که این گروه هم‌چنان بر قدرت مسلط بماند؛ زیرا در انتخاب رهبر جدید، مجتبی، دست بالا را دارند. در مسائل سرنوشت‌ساز حاکمیتی، مانند جنگ و سرکوب قیام‌های داخلی، رهبر جدید برای حفظ حکومت خود به آنان تکیه می‌کند، هرچند «طبقه سیاسی» در ایران هنوز وجود دارد؛ مانند رئیس‌جمهور، وزیر خارجه و رئیس پارلمان، اما نهایت چیزی که اینان می‌خواهند آن است که ایران دوباره در مدار آمریکا بچرخد. با این حال، نفوذ واقعی آنان توان ایستادگی در برابر سپاه پاسداران را ندارد.

ب) در مقابل، آمریکا تاکنون در تبدیل نظام ایران به یک نظام کاملاً تابع خود، مانند دیگر رژیم‌های مزدور در سرزمین‌های اسلامی، ناکام مانده است. با این وجود، ترامپ هنوز پافشاری دارد که نظام ایران تابع او باشد، نه صرفاً دولتی که در مدار آمریکا بچرخد؛ هرچند در تحقق این هدف شکست خورده است. او از ایران همه چیز را می‌خواهد؛ یعنی تحقق صددرصدی خواسته‌های خود را، نه ۹۰ یا ۹۵ درصد؛ چنان‌که گفته بود: «من ۹۰ درصد نمی‌خواهم، ۹۵ درصد هم نمی‌خواهم؛ به آنان گفتم همه چیز را می‌خواهم» (TV Lebanon)، ۱۲ اپریل ۲۰۲۶ م)

او همین امروز، چهارشنبه ۳ جون ۲۰۲۶، اندکی پیش گفت: «وضعیت مربوط به ایران به سرعت در حال تحول است و بسیار خوب خواهد بود.» او هم‌چنین اشاره کرد که ایران پذیرفته است سلاح هسته‌ای نداشته باشد. (العربية، ۳ جون ۲۰۲۶ م)

هرچند اظهارات ترامپ از دقتی برخوردار نیست که بتوان بر آن اعتماد کرد، اما این‌ها مواضع اعلام‌شده اوست. یعنی ترامپ می‌خواهد ایران دولتی تابع او باشد و با او مخالفت نکند؛ با وجود آن‌که در این مسیر شکست خورده است. او برای پوشاندن این شکست، با واژه‌ها بازی می‌کند، طرح‌های توافق را تکرار می‌نماید، سپس دوباره با آن‌ها مخالفت می‌کند و همین‌گونه این روند پیوسته ادامه می‌یابد.

ج) اما چیزی که کمر ترامپ و دیگر «ترامپ‌های» کفار استعمارگر را؛ حتی از اندیشیدن به تجاوز علیه سرزمین‌های اسلامی می‌شکند و هر کافر را به خانه خودش بازمی‌گرداند، اگر خانه‌ای برایش باقی مانده باشد، بازگشت خلافت راشد است؛ خلافتی که به اذن الله سبحانه و تعالی بازخواهد گشت؛ وعده‌ای از سوی الله سبحانه و تعالی:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ [نور: 55]

ترجمه: الله (سبحانه و تعالی) به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.

و نیز بشارتی از سوی رسول الله صلی الله علیه و سلم پس از این حکومت جبری که امروز در آن زندگی می‌کنیم: احمد از حدیثه روایت کرده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«... ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَى مَنَاجِ النُّبُوَّةِ. ثُمَّ سَكَتَ»

ترجمه: سپس پادشاهی جبری خواهد بود و تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد، ادامه می‌یابد؛ سپس هرگاه بخواهد، آن را برمی‌دارد؛ سپس خلافت بر منبج نبوت خواهد آمد، سپس سکوت کردند.

در آن هنگام خلیفه‌ای خواهد بود که از پشت سر او جنگیده می‌شود و به وسیله او سپر گرفته می‌شود؛ پس اسلام و مسلمانان عزت می‌یابند و کفر و کافران خوار می‌گردند:

﴿وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ (۴) بِنَصْرِ اللَّهِ يُنَصِّرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [روم: 4-5]

ترجمه: در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد- به سبب یاری الله (سبحانه و تعالی): و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد؛ و او شکست ناپذیر رحیم است!

17 ذی الحجه ۱۴۴۷ ه.ق.

۳ جون ۲۰۲۶ م.

مترجم: مصطفی اسلام